Islamic Studies in Contemporary World, Iranian Society for Quranic Studies & Islamic Culture
Research Article, Vol. 1, No. 1 (Serial 1), Spring and Summer 2022

A Camel Passing Through a Needle Hole: A Qur'anic Interpretation of the Bible

Author: Abdulla.Galadari*
Translator: Nasims Hasani**

Abstract
The metaphor of the camel passing through the eye of the needle is found in the Synoptic Gospels (Mat- thew 19:24, Mark 10:25, Luke 18:25) and the Qur'an (7:40). The Gospels seem to suggest that it is easier for a camel to pass through the eye of a needle than for a rich person to enter the Kingdom of Heaven. The Qur'an, on the other hand, puts the metaphor in the context of disbelievers who are arrogant (istakbarū) toward God's signs. At the outset, it would seem that the passage's contexts in the Gospels and the Qur'an are different; however, through a closer analysis of the keywords, there are textual parallels that can be extracted from both texts and go beyond simply the use of this analogy in common, as previous scholars have thought. For instance, the rich man in the Gospels is asking about inheriting eternal life, while the Qur'an also discusses eternal life and inheritance in the same context. These and several other textual parallels suggest that the Qur'an is alluding to the same context for the metaphor as the Gospels do.

Keywords
Intertextuality, Qur'an, Gospels

* Lecturer at Al-Khalifa University Abu Dhabi, United Arab Emirates. abdulla.galadari@ku.ac.ae
** Graduate of Master of Quranic and Hadith Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. nasimshasani@gmail.com

Received: 2022-04-21 Acceptesd: 2022-07-24

مطالعات اسلامی در جهان اسلام، انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی
مقاله علمی – پژوهشی، سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۲۱۱-۲۳۲

عبور شتر از سوراخ سوزن: تفسیری قرآنی از انجیل‌ها

مؤلف: عبدالله گلداری*
مترجم: نسیم حسنی**

چکیده

استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن در انجیل‌های هم‌نوا (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵) و قرآن (سوره اعراف، آیه ۴۰) مطرح‌شده است. ظاهراً انجیل می‌گوید که عبور شتر از سوراخ سوزن راحت‌تر از ورود فردی ثروتمند به قلمرو بهشت است. از سوی دیگر، قرآن این استعاره را در بافتار تکذیب‌کنندگانی بیان می‌کند که در برابر آیات خدا متکبرند (اسْتَكْبَرُوا). در بادی امر به‌نظر می‌رسد که بافتار این استعاره در انجیل‌ها و قرآن متفاوت است. اما با تحلیل دقیق‌تر کلیدواژه‌ها، تشابهاتی متنی دیده می‌شود که از هر دو متن قابل‌استخراج هستند و برخلاف تصور محققان پیشین، فراتر از کاربرد مشترک این تمثیل است. برای نمونه، مرد ثروتمند در انجیل‌ها از به‌ارث‌بردن زندگی جاودانه می‌پرسد، و درعین‌حال قرآن نیز در مورد زندگی جاودانه و میراث‌بری در بافتاری مشابه صحبت می‌کند. این موارد و چندین تشابه متنی دیگر حاکی از آن است که قرآن تلویحاً همان بافتاری را برای استعاره مطرح می‌کند که انجیل‌ها هم به آن می‌پردازند.

کلید واژگان: میان‌متنیت، قرآن، انجیل‌ها.

---

* مدرس دانشگاه الخلیفه ابوظبی، امارات متحده عربی abdulla.galadari@ku.ac.ae

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران nasimshasani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

Copyright © IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مقدمه

در این گفتار استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن در انجیل‌های هم‌نوا (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵)[1] و قرآن (سوره اعراف، آیه ۴۰) مقایسه شده است. در آیه ۴۰ سوره اعراف آمده است: «در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از (پذیرفتن) آنها تکبر ورزیدند (اسْتَكْبَرُوا)، درهای آسمان (السَّمَاء) را برایشان نمی‌گشایند و در بهشت درنمی‌آیند مگر آنکه شتر (الْجَمَل) در سوراخ سوزن داخل شود و بدین‌سان بزهکاران را کیفر می‌دهیم.[2]

در این آیه به‌نظر می‌رسد قرآن خطاب به کسانی که در مقابل نشانه‌های خدا تکبر می‌ورزند (اسْتَكْبَرُوا) می‌گوید نه درهای بهشت به روی آنها باز می‌شود و نه به آن وارد خواهند شد، {مگر} وقتی‌که شتر از سوراخ سوزن عبور کند. اریک بیشپ (۱۹۴۱) رابطه بین این آیه قرآن و قول معروف عیسی در انجیل‌های هم‌نوا را بررسی کرده است (صص. ۳۵۴-۳۵۹). ازنظر او احتمالاً تنها نقل‌قول مستقیم قرآن از انجیل‌ها همین بخش است که در آن از درهای بهشت و قلمرو خداوند صحبت می‌شود.

آنگاه عیسی به شاگردان خویش را گفت: «به‌راستی شما را می‌گویم که درآمدن به ملکوت آسمان‌ها بر توانگر[3] دشوار خواهد بود. آری، دگربار شما را می‌گویم که گذشتن شتر از روزن سوزن آسان‌تر است تا درآمدن توانگر به ملکوت آسمان‌ها» (صص. ۳۵۴-۳۵۹).

اما باوجود هم‌سانی‌ها بین متون کتاب‌مقدسی و قرآن، ناهم‌سانی‌ای قابل‌ملاحظه نیز وجود دارد: انجیل‌ها از فرد ثروتمند می‌گویند، حال‌آنکه قرآن از کسانی سخن می‌گوید که متکبرانه آیات خداوند را تکذیب می‌کنند. اگر بپذیریم که قرآن نقل‌قولی از متن کتاب‌مقدسی است (یا اشاره‌ای به آن دارد)، پس چرا به‌نظر می‌رسد که از سنخی دیگر از مردم سخن می‌گوید؟ مگر اینکه قرآن کسانی را که متکبرانه آیات خداوند را تکذیب

---

1. Synoptic Gospels

۲. ترجمه آیات قرآن کریم در متن انگلیسی برگرفته از نصر (۲۰۱۵) است؛ ترجمه فارسی در متن حاضر از فولادوند است. کمانک‌ها {} در سراسر متن از مترجم است (پانوشت شماره ۱ در متن انگلیسی به قرینه این پانوشت حذف می‌شود.) ـ م.

3. Plousios

می‌کنند با {فرد} ثروتمند برابر داند. بررسی دقیق و زبان‌شناسانه انجیل‌ها و قرآن ارتباطی جالب را آشکار می‌کند که می‌تواند حاکی از آن باشد که وقتی قرآن این آیه را نقل‌قول می‌کند انجیل را (یونانی یا آرامی)،[۱] بدون تغییر چندانی در موضوع، تفسیر کرده است، خواه به {فرد} ثروتمند مرتبط باشد خواه به {فرد} متکبر. موک علی (۲۰۰۸) وقتی به این نقل‌قول از انجیل در قرآن اشاره می‌کند ارتباط میان‌متنیِ سامی بین انجیل آرامی و قرآن عربی را در نظر می‌گیرد؛ گرچه او اذعان می‌کند که قرآن در این آیه به کسانی اشاره دارد که متکبرانه آیات خدا را تکذیب می‌کنند اما انجیل از فردی ثروتمند حکایت می‌کند (صص. ۷۲–۹۸)، بااین‌حال وقتی‌که این دو منبع را مقایسه می‌کند نمی‌تواند رابطه‌ای بین آنها پیدا کند. ازاین‌رو، علی نتیجه می‌گیرد که قرآن از انجیل نقل‌قول نمی‌کند، بلکه تنها استعاره‌ای مشابه را به‌کار می‌برد. این گفتار نشان می‌دهد که مسأله لزوماً همین مورد نیست، چرا که بین مرد ثروتمند، که مورد اشاره انجیل‌های یونانی (Plousios) یا انجیل‌های آرامی (tyrʿ) است، و تکذیب‌کنندگان متکبرِ آیات خداوند در قرآن عربیْ ارتباطی زبان‌شناختی وجود دارد. از این گذشته، چه‌بسا قرآن از دیاتسرون تاتیان به‌مثابه نقشه راه استفاده کرده است، هرچند قراین این گزاره هنوز ناقص است.

برخی محققان بر این باورند که منبع قرآنی برای نقل‌قول انجیل از عبور شتر از سوراخ سوزن می‌تواند ترجمه‌ای عربی یا سریانی از مکتوبات مسیحی یا سنت شفاهی باشد بنگرید به بل ۱۹۳۷، جلد اول، ص. ۱۴۱. همچنین بنگرید به بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۸–۳۵۹؛ البداوی، ۲۰۱۳، ص. ۲۳۶). برای نمونه، بیشپ در تحلیل خود از این متن احتمال می‌دهد که قرآن از سنت سریانی نقل‌قول می‌کند؛ سنتی که در سراسر عربستان گسترش‌یافته بود (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۸). او به‌ویژه معتقد است که دیاتسرون سریانی تاتیان[۲] (۱۸۰ پس از وفات مسیح) می‌تواند منبع قرآنی باشد.[۱] او اظهار می‌کند

---

۱. انجیل آرامی‌ای (Aramaic) که در این گفتار مورد اشاره قرارمی‌گیرد پشیطتا (Peshitta) است، مگر اینکه به‌طریقی دیگر در بحث از نسخه قدیمی سریانی (Syriac) و دیاتسرون (Diatessaron) {ترجمه} تاتیان (Tatian) اشاره شود {بنگرید به پانوشت ۱، ص. ۴.}

2. Diatseron Syriac Tatian

که ترجمه عربی این بخش در دیاتسرون تاتیان از عبارت‌پردازی مشابه با قرآن استفاده می‌کند، که با ترجمه‌های شناخته‌شده انجیل‌های عربی متفاوت است (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۶). «سوراخ سوزن» در دیاتسرون عربی به «سَمِّ الْخِيَاط» ترجمه‌شده است، که با عبارت‌پردازی قرآن مطابقت دارد، اما با ترجمه‌های عربی انجیل‌ها متفاوت است. نکته‌ای دیگر که بیشپ موردتوجه قرار می‌دهد این است که عبارت «عبور کردن از»، که در قرآن مانند دیاتسرون عربی «يَلِج» است، با ترجمه‌های عربی انجیل‌ها، که نوعاً از واژه[۲] «دخول» یا «مرور» استفاده می‌کنند، تفاوت دارد (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۷). بیشپ معتقد است که حتی اگر دیاتسرون تاتیان سده‌ها پس از {حضرت} محمد به عربی ترجمه‌شده باشد، لزوماً تحت تأثیر عبارت‌پردازی قرآنی قرار نگرفته است، چراکه این عبارت‌پردازی بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها تأثیرگذار نبوده است (بیشپ، ۱۹۴۱، صص. ۳۵۶–۳۵۷). فرضیه او این است که امکان دارد منابع قرآنی از سنت‌های سریانی بوده و به دیاتسرون تاتیان رسیده‌اند (بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۷). اما به‌نظر من این استدلال نسبتاً ضعیف است.

گویی بیشپ تلویحاً اشاره می‌کند که چون قرآن بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها تأثیرگذار نبوده است نمی‌توانسته ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان را تحت تأثیر قرار دهد (بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۷–۳۵۸). اما با فرض وجود سنتی شفاهی از دیاتسرون تاتیان، که چه‌بسا بر عبارت‌پردازی قرآنی تأثیر گذاشته باشد، چرا این سنت به‌نوبه‌ی خود بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها اثرگذار نبوده است؟ این استدلال می‌تواند از هر دو جهت نتیجه عکس دهد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که واژه »يَلِج» به‌معنای «عبورکردن» در ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان در بخش مربوط به عبور از سوراخ سوزن به‌جای واژه‌های یونانی dielthein dia (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵) یا

۱. دیاتسرون انجیلی است که توسط تاتیان گردآوری شد. او در این انجیل تلاش می‌کند تمام چهار انجیل را با یکدیگر هماهنگ کند. این باور وجود دارد که این کتاب اصلاً به زبان سریانی نوشته (۱۶۰–۱۷۵) و سپس سده‌ها پس از درگذشت {حضرت} محمد به عربی ترجمه شده است. ترجمه عربی موجود منسوب به ابوالفرج عبدالله ابن الطیب (متوفی ۱۰۴۳) است.

۲. در متن حاضر، «واژه» غالباً معادل Term است ـ م.

eiselthein dia (لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵) به‌کار می‌رود، جایی که دیاتسرون عربی می‌گوید «انه سهل الا الجمل ان یلج سم الخیاط من ان یدخول الغنی ملکوت الله» (باب بیست‌ونهم آیه ۲). اما، آنجا که ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان از انجیل متی (باب هفتم آیه ۱۳) در خصوص ورود به دروازه تنگ نقل‌قول می‌کند از واژه «لُجّو» هم برای واژه یونانی eiselthate استفاده می‌کند (باب دهم آیه ۳۲)، حتی اگر عبارت‌پردازی‌ای مستقیم وجود نداشته باشد که بتواند این بخش را در انجیل و قرآن، که واژه »یَلِج» را به‌کار می‌برد،

پیوند دهد.

عمران البداوی (۲۰۱۴) اشاره می‌کند که احتمالاً متن سریانی مسیحی یا سنت شفاهی دوباره مفصل‌بندی {و بازگویی} شده است، گرچه او به تفاوت بین هشدار انجیل درباره فرد ثروتمند و {انذار} قرآن درباره کسانی که آیات خداوند را متکبرانه نمی‌پذیرند اذعان می‌کند (البداوی، ۲۰۱۴: ص. ۱۸۸). قرآن و ارتباط احتمالی آن با {زبان} سریانی مدت‌ها موردبحث قرارگرفته است. آرتور جفری (۱۹۳۸) در «واژگان بیگانه قرآن» پرتوی نو بر {فهم ما از} وام‌واژه‌هایی[1] احتمالی می‌اندازد که قرآن به‌واسطه محیط اجتماعی مسیحی در عربستان از سریانی وام گرفته است. گونتر لولینگ[2] (۱۹۷۴) و کریستوف لوکسنبرگ[3] (۲۰۰۰) ریشه‌های سریانی احتمالی قرآن را مطرح کرده‌اند. این گفتار روشن می‌کند که اشاره قرآنی به انجیل‌ها درباره موضوع عبور شتر از سوراخ سوزن احتمالاً معطوف است به دیاتسرون تاتیان یا مبتنی‌بر آن است، و قرآن بافتار بحث خود را که مشتمل بر مرد ثروتمند است بدون تغییر محتوای موضوع تفسیر می‌کند.

روش چندمعنایی میان‌متنی که در این پژوهش به‌کار می‌رود در اثر پیشین من که در ارتباط با «قبله» و «شماع» بود نیز استفاده شد (گلداری، ۲۰۱۳a، صص. ۱۶۵–

1. Loanword
2. Gunther Lolling
3. Christoph Luxenberg

۱۹۴. همچنین بنگرید به گلداری، ۲۰۱۳b، صص. ۳۵-۳۶).[۱] این روشی معناشناختی است که در آن کاربرد یکسان یا مشابه با واژه‌ها و معانی بین متون و بافتار احتمالی چه‌بسا اشاره‌ی {میان‌متنی} باشد. این گفتار ارتباط قرآن با انجیل‌های هم‌نوا را تبیین می‌کند.

۱. موارد میان‌متنی

{در اینجا} یازده مورد میان‌متنی در مورد عبور شتر از سوراخ سوزن بین قرآن و انجیل‌ها و شرح کتاب‌مقدسی آنها را مشخص می‌کنم. بدیهی است که نخستین میان‌متنیتْ تمثیلی یکسان است که {در هر دو متن} به‌کار رفته است.

واژه یونانی که در آیه‌های ۲۳ و ۲۴ باب نوزدهم انجیل متی، آیه ۲۵ باب دهم انجیل مرقس و آیه ۲۵ باب هجدهم انجیل لوقا به‌معنای «ثروتمند» به‌کار می‌رود Plousios یا Plousion است، که به فراوانی و ثروت اشاره می‌کند؛ گرچه ریشه آن به‌معنای «وفور»، «فزونی» یا «فراوانی» است (دکنر، ۲۰۰۰: ص. ۸۳۱). به‌لحاظ ریشه‌شناختی، واژه یونانی Plousios با Ploutos، که به‌معنای «ثروت» است، ارتباط دارد (بنگرید به کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد ششم، ص. ۳۱۸). واژه Plousios با Polus، به‌معنای «پرشدن»، (کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد ششم، ص. ۳۱۹. همچنین بنگرید به دنکر، ۲۰۰۰، ص. ۸۳۲) یا با Polys به‌معنای «زیاد» در ارتباط است. همچنین، واژه Polys در آیه پیشین انجیل متی (باب نوزدهم آیه ۲۲)، جایی که انجیل خبر می‌دهد که مرد دارایی‌هایی زیاد (Polys) داشت، به‌کار می‌رود. واژه‌ای که در قرآن معنای «متکبر» را افاده می‌کند «اسْتَكْبَرُوا» با ریشه‌ی «کبر» است، که به‌لحاظ ریشه‌شناختی به‌معنای

---

۱. گلداری معتقد است که قرآن از شیوه اشارتگری برای نقل و تفسیر کتاب مقدس استفاده می‌کند. او روش چندمعنایی میان‌متنی (Intertextual Polysemy) را برای بررسی ریشه‌ای کلیدواژه‌ها، فهم معانی مختلف و تک‌واژشناسی (Morphology) آنها و همچنین شناسایی هم‌ریشه‌ها (Cognate) در کتاب مقدس و قرآن به‌کار می‌برد. از نظر گلداری، وقتی می‌توان از چندمعنایی سخن گفت که یک واژه چندین معنا داشته باشد و این معانی به‌نحوی با یکدیگر در ارتباط باشند. چندمعنایی به‌ویژه در مورد زبان‌های سامی حائز اهمیت است، چرا که این زبان‌ها مبتنی‌بر تک‌واژشناسی ریشه‌محور (مشتقات) هستند. به‌عبارت دیگر، مشتقات در زبان‌های سامی براساس ریشه معمولاً سه‌حرفی واژه‌ها شکل می‌گیرند و معانی و مفاهیم گوناگون را به‌ذهن متبادر می‌کنند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به گلداری، ۲۰۱۳a) ـ م.

«افزودن» و «بزرگی» است (ابن منظور، ۱۹۹۴: صص. ۱۲۵–۱۳۱). همچنین در زبان آرامی، واژه «کبر» به‌معنای «بزرگ‌کردن»، «زیادکردن» و «فراوانی» است، همان‌طور که واژه سریانی «کبیر» نیز برای افاده معنای «ثروتمندی» و «ثروت» به‌کار می‌رود (بنگرید به اسمیت، ۱۹۰۲، ص. ۲۰۳. همچنین بنگرید به براون و همکاران، ۲۰۰۰، ص. ۴۶۰)، گرچه پشیطتا در این آیه از واژه «تر» به‌معنای «ثروتمند» استفاده می‌کند، که با واژه عبری و عربی «عشر[1]» هم‌ریشه است. باوجود اینکه کتاب مقدس عبری واژه Ashr را در معنای «ثروتمند» به‌کار می‌برد، ریشه واژه Shr معنای «فراوانی» را می‌رساند (در مورد واژه Ashr بنگرید به باتروک و رینگرن، ۱۹۷۷، جلد یازدهم، صص. ۴۱۷–۴۱۸) و واژه عربی «مَعَشَر» به‌معنای «تعداد زیادی» است (ابن منظور، ۱۹۹۴: ص. ۴۵۷). بنابراین، تعریف ریشه Shr به Plousios هم شباهت دارد، و معنای «فراوانی» را که در «کبر» است در برمی‌گیرد.

هنجارشکنی‌های تک‌واژی[2] Plousios گاهی توسط {کتاب مقدس} هفتادگانی[3] در خصوص «خودسری» (یا شاید تکبر) به‌کار می‌رود. هفتادگانی عبارت she’on ‘alizim hadal (هیاهوی سرمست بازایستاد) در آیه ۸ باب بیست‌وچهارم کتاب اشعیا را به pepautai authadia kai ploutos asebōn (بازایستاد خودسری لجوج و {بازایستادند} ثروتمندان بی‌دین {=بی‌اعتنا به مقدسات}) ترجمه کرده است. فرضیه‌های زیادی در مورد ریشه‌شناسی واژه عبری Aliz به‌معنای «مغرور بودن» وجود دارد؛ یکی از این فرضیه‌ها هم‌ریشه عربی »غلیظ» به‌معنای «پر نخوت بودن» {=به‌طعنه: مغرور بودن} را مطرح می‌کند (در مورد zl بنگرید به باتروک و رینگرن، ۱۹۷۷، جلد اول، صص. ۲۹۲–۲۹۳). گرچه {نکته اخیر} نامحتمل است، ظاهراً مترجمان هفتادگانی «هیاهوی سرمست» را هیاهوی افرادی فهمیده‌اند که هم‌سو با ثروتمندان متکبر هستند. به‌طور مشابه، هفتادگانی از Plousioi در آیه ۱۴ باب پنجم کتاب اشعیا برای کسانی استفاده

---

1. Ashr

1. Morphological Derivation

۳. براساس روایت‌های موجود، وجه تسمیه هفتادگانی (Septuagint) هفتاد نفری است که کتاب مقدس را در سده سوم میلادی از عبری به یونانی ترجمه کردند ـ م.

می‌کند که she'onahwa-'aliz هستند ([کسانی] که [شعول] خود را خوش‌گذرانی و شادی می‌کنند).

واژه کتاب مقدس عبری که نوعاً برای «بزرگی»، نظیر «کبر» عربی، به‌کار می‌رود Gdl است. در آیه ۴ باب اول کتاب استر،[1] هفتادگانی واژه Gedolat را برای «بزرگی» به Ploutou ترجمه می‌کند. چون‌که متن از ثروتمندان با واژه عبری Osher صحبت می‌کند، می‌توان فرض کرد که به Ploutos هم ترجمه می‌شود، و بزرگی‌ای که در این متن خاص مورداشاره قرار می‌گیرد بزرگی ثروت است. اما هفتادگانی همچنین Gedulat را در آیه ۲ باب دهم کتاب استر به Plouton[2] ترجمه می‌کند، گرچه که بافتار چنین فهمی را ایجاب نمی‌کند. بااین‌وجود، باید اشاره شود که در این متن، فردی که Gedulat (Plouton) در نظر گرفته می‌شود مردخای[3] است، و مترجمان در این مورد واژه Plouton را به‌معنای دقیق کلمه «متکبر» تلقی نکردند.

حتی اگر واژه کبر به‌معنای «بزرگی» و «فراوانی» باشد، واژه نوعی برای «فرد ثروتمند» در عربی «غنی» است، که می‌توان آن را به یونانی Plousios، و درنتیجه «ثروتمند» در نظر گرفت. در همین مورد، جالب است که قرآن در برخی آیه‌هایی که در امتداد استعاره شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند می‌آیند (اعراف: ۴۸)، بازی با کلماتی تک‌واژی را در مورد واژه‌های «غنی» و «کبر» به‌کار می‌برد، و با این اوصاف دومین نکته میان‌متنی است. اما در آیه ۴۸ سوره اعراف از واژه‌های «ما أَغْنی» که به‌معنای «سود نبخشیدن» است[4] استفاده می‌شود، که همان ریشه مشترک «غنی» را دارد. همان‌طور که ظاهراً رابطه‌ای میان‌متنی بین آیه ۴۰ و ۴۸ سوره اعراف امکان‌پذیر است، چه‌بسا این پرسش مطرح شود که واژه «اسْتَکْبَرُوا» یا «تَسْتَکْبِرُون» هم می‌تواند اشاره‌ای به «غنی»، که به‌معنای «شخص ثروتمند» است، باشد. واژه قرآنی «ما أَغْنی» می‌تواند معنای «توانگر نمی‌کند» را نیز داشته باشد. به‌این‌ترتیب آیه ۴۸ سوره اعراف را می‌توان

---

۱. استر (Esther) عنوان کتابی در بخش سوم عهد عتیق است ـ م.

۲. ثروتمندان

1. Mordecai

۴. فولادوند «ما اغنی» را «سود نداشتن» ترجمه کرده است ـ م.

این‌طور ترجمه کرد: «جمعیت شما و آنچه با آن خود را توانگر می‌کردید (تَسْتَکْبِرُون)، شما را توانگر نمی‌کند (ما أَغْنی)».[۱] آیه قرآنی موردنظر غالباً به‌قرار زیر ترجمه و استنباط می‌شود:

> و اهل اعراف مردانی را که آنان را از سیمای‌شان می‌شناسند ندا می‌دهند [و] می‌گویند «نه جمع‌آوری‌تان شما را سود بخشیده است [شما را توانگر کرده است] (ما أَغْنَی)، نه تکبر افزاینده‌تان [خود را توانگر می‌کردید] (تَسْتَکْبِرُون).[۲] (اعراف: ۴۸[۳]).

سومین مورد میان‌متنیتْ بین پرسش مرد ثروتمند در انجیل‌ها و قرآن شاید حضور واژه «جاودانه» باشد (متی، باب نوزدهم آیه‌های ۱۶ و ۲۹؛ مرقس، باب دهم آیه ۱۷، لوقا، باب هجدهم آیه‌های ۱۸ و ۲۹)؛ در یونانی Aionion {معادل} زندگی جاودانه است. واژه‌ی یونانی Aionion با واژه‌ی عربی «خالِدُون» قابل‌مقایسه است، که به‌معنای «جاودانه» نیز است (ابن منظور، ۱۹۹۴: ص. ۱۶۴–۱۶۵). در هر انجیل، جایی‌که به استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن اشاره می‌شود، واژه «جاودانه» دومرتبه در بافتاری مشابه به‌کار می‌رود. در قرآن، واژه «خالِدوُن» {به‌عنوان معادلی} برای «جاودانه» هم دومرتبه در بافتار استعاره شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند تکرار می‌شود (سوره اعراف: آیات ۳۶ و ۴۲).

چهارمین مورد میان‌متنیت در پرسش مرد ثروتمند و بافتار این بخش، واژه {معادل} «میراث‌بری» است. مرد ثروتمند از عیسی می‌پرسد که چه کند تا زندگی جاودانه را به‌میراث برد، که هم انجیل مرقس و هم انجیل لوقا (مرقس، باب دهم آیه

---

۱. ترجمه آیه در این پاراگراف براساس ترجمه انگلیسی گلداری و از مترجم فارسی است. تأکیدهای داخل پرانتز () از گلداری است ـ م.

۲. شاید منظورْ توانگر کردن نفس‌پرستی {ego} فرد باشد (یعنی تکبر).

۳. ترجمه خارج گیومه «» از فولادوند است. ترجمه داخل گیومه از مترجم فارسی و مبتنی‌بر ترجمه انگلیسی‌ای است که نویسنده به‌کار برده است. تأکیدها در کروشه [ ] و پرانتز () از نویسنده است؛ جز در مواردی که فولادوند پیش از گیومه واژه‌ای را داخل کروشه قرار داده است. واژه Waxing، که در متن «افزاینده» ترجمه شده است، در اینجا ظاهراً به‌معنای «کامل‌شدن (یا افزایش) تدریجی» است ـ م.

۱۷؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۱۸) از واژه یونانی Kleronomeso یا واژه آرامی Irt برای «به‌میراث بردن» استفاده می‌کنند. گرچه این واژه بخشی از پرسش مرد ثروتمند در انجیل متی نیست، وقتی کسانی را توصیف می‌کند که زندگی جاودانه را به‌میراث خواهند برد، واژه »به‌میراث بردن» (Klēronomesei/Nirat) در همان بافتار (پرسش مرد ثروتمند) به‌کار می‌رود (متی، باب نوزدهم آیه ۲۹). هفتادگانی در برخی موارد برای ترجمه واژه عبری Yrsh از گونه‌های تکواژشناختی واژه Kleronomeo استفاده می‌کند، که با Irt آرامی و «یَرِث» عربی به‌معنای «به‌میراث‌بردن» هم‌ریشه است (به‌عنوان‌مثال، کتاب مزامیر {یا زبور داوود}، باب سی‌وهفتم آیه ۲۹). در متن قرآنی، پس از بیان اینکه کسانی که در برابر آیات خداوند متکبرند (اسْتَکْبَرُوا) وارد بهشت نمی‌شوند {مگر} وقتی‌که شتر از سوراخ سوزن عبور کند، می‌گوید که بهشت را کسانی به‌میراث می‌برند (أُورِثْتُمُوها) که شایسته هستند (سوره اعراف: آیه ۴۳).

در پنجمین مورد میان‌متنیت، قرآن یاد می‌کند که دروازه‌های بهشت «السَّمَاء» به روی کسانی که آیات خداوند را متکبرانه تکذیب می‌کنند گشوده نمی‌شود {مگر} اینکه شتر از سوراخ سوزن عبور کند (سوره اعراف: آیه ۴۰). تمایزگذاری بین واژه‌های قرآنی برای بهشت، یعنی «جنت» به‌معنای «باغ مخفی»، و «السَّمَاء» به‌معنای «آسمان» (بهشت)، حائز اهمیت است. برای نقل این گفته عیسی که ورود به قلمرو بهشت برای مرد ثروتمند دشوار است، انجیل متی از واژه‌ی یونانی Ouranos یا واژه آرامی Shmaya استفاده می‌کند (باب نوزدهم آیه ۲۳)، که با واژه عربی «السَّمَاء» که در قرآن به‌کار می‌رود قابل‌مقایسه است.[1] دیاتسرون تاتیان هم در این روایت از تفسیر متی استفاده می‌کند. قضاوت اینکه قرآن دقیقاً از دیاتسرون تاتیان یا انجیل متی استفاده می‌کند یا

---

۱. این مسأله می‌تواند حاکی از همه‌پسندی انجیل متی بین مسیحیان عرب باشد، چرا که سایر انجیل‌های هم‌نوا در این بخش به‌جای «قلمرو بهشت» (آسمان) از «قلمرو خداوند» استفاده می‌کنند. این موضوع از سوی بیشپ (۱۹۴۱) هم مطرح شده است که شاید انجیل متی در میان مسیحیان عرب نسبت به سایر انجیل‌ها همه‌پسندتر بوده است (ص. ۳۵۴)؛ همچنین بنگرید به البداوی، ۲۰۱۴: ۷–۸. این احتمال وجود دارد که چون انجیل متی احتمالاً در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده بود، {به‌سبب نزدیکی زبان سریانی و آرامی} در کلیساهای سریانی آغازین قابل‌فهم‌تر بوده است، و عاقبت از طریق آنها به مسیحیان عرب رسیده است.

خیر به‌معنای دقیق کلمه دشوار است، چراکه سایر انجیل‌ها به‌جای «بهشت» از «قلمرو خداوند» یاد می‌کنند.

انجیل لوقا مَثل احمق ثروتمند (باب دوازدهم آیه ۱۳-۳۴) را حکایت می‌کند.[۱] در انجیل‌های هم‌نوا چندین مورد میان‌متنیت بین این مثل و {حکایت} مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید وجود دارد. مَثل احمق ثروتمند درست پیش از روایت تاتیان درباره‌ی عبور شتر از سوراخ سوزن در دیاتسرون می‌آید (باب بیست‌وهشتم آیه‌های ۳۳-۴۱). {در اینجا} نخستین مورد میان‌متنیت این است که در هر دو نمونه {محور داستان} مردی ثروتمند است. دومین مورد این است که مرد ثروتمند در پی «به‌میراث بردن» زندگی جاودانه است، درحالی‌که در مَثل احمق ثروتمند، محتوای موضوعْ «میراث‌بری» در جهان مادی است (لوقا، باب دوازدهم آیه‌های ۱۳-۲۴). سومین مورد این است که از مرد ثروتمند که زندگی جاودانه را می‌جوید خواسته می‌شود که همه دارایی‌های خود را بفروشد و به فقرا بدهد تا از گنجینه‌ای که در بهشت است برخوردار شود؛ در مَثل احمق ثروتمند برای برخورداری از گنجینه‌ای که در بهشت است همان خواسته مطرح می‌شود (لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۳). برقراری ارتباطی بین مَثل احمق ثروتمند و بخش مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید مهم است، زیرا انجیل در بافتار مَثل احمق ثروتمندْ گفته عیسی را که هیچ‌کس نمی‌تواند حتی یک ساعت به زندگی خویش بیافزاید نقل می‌کند (لوقا، باب دوازدهم آیه ۲۵)، پس نباید نگران یا اندیشناک {=مضطرب} بود. انجیل می‌گوید مردمی که بهشت نصیب‌شان خواهد شد نباید بترسند (لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۲). آیه ۴۰ باب دوازدهم لوقا ادامه می‌دهد که عیسی می‌گفت انسان باید برای آمدن آن ساعت آماده باشد.

به‌طور مشابه، در آیه‌هایی که پیش از آیه عبور شتر از سوراخ سوزن در قرآن می‌آیند، گفته می‌شود که وقتی آن زمان فرارسد، قومی قادر نیست ساعتی اضافی بر مدت آن بیافزاید (سوره اعراف: آیه ۳۴)، و کسانی که احسان می‌کنند و بهشت

---

۱. معادل دقیق واژه انگلیسی Fool و واژه آرامی Moros (متی، باب پنجم آیه ۲۲) در فارسی «احمق» است. آیه ۲۰ باب دوازدهم انجیل لوقا از واژه یونانی Aphron استفاده می‌کند که واژه‌ای نزدیک به «احمق» است. در اینجا، به‌پیروی از گلداری، معادل فارسی «احمق» به‌کار می‌رود ـ م.

نصیب‌شان می‌شود نه می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند (سوره اعراف: آیات ۳۵ و ۴۹). این‌ها به‌ترتیب ششمین و هفتمین مورد میان‌متنیت هستند. افزون بر این، واژه‌ای که در مثل احمق ثروتمند برای «احمق» به‌کار می‌رود واژه یونانی Aphron است، که با Aphrona ارتباط دارد، و به‌معنای «تکبر»، «نخوت»، «جهل»، «مکر» و «گناهکاری» نیز است (بنگرید به کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد نهم، صص. ۲۲۱، ۲۳۴–۲۳۵. همچنین بنگرید به دنکر، ۲۰۰۰، ص. ۱۵۹). این معنا میان‌متنیت دیگری را بین واژه‌های «ثروتمندبودن» و «متکبربودن» تصریح می‌کند که در عربی در برداشت چندمعنا از «استکبار» ترکیب می‌شوند. این هشتمین مورد میان‌متنیت بین قرآن و روایت انجیل از مرد ثروتمندی است که زندگی جاودانه را می‌جوید. وانگهی، حتی واژه آرامی Khsyr ra ‘na, برای «احمق» می‌تواند میان‌متنیت با قرآن را، که واژه‌های «خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (سوره اعراف: آیات ۹ و ۵۳) و «الخاسرین» (سوره اعراف: آیه ۲۳) را در بافتار عبور شتر از سوراخ سوزن به‌کار می‌برد، تصریح کند. دقیقاً همان‌طوری که گویی گرایش به مادیات این جهان در بخش مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید نکوهیده می‌شود، در مَثل احمق ثروتمند نیز چنین است.[۱] به‌نظر می‌رسد قرآن زندگی دنیوی را در بافتاری مشابه با استعاره‌ی عبور شتر از سوراخ سوزن نکوهش می‌کند (اعراف: ۵۱). شاید پیام انجیل علیه ثروت دنیوی را کلاً به‌مثابه نکوهش زندگی دنیوی تفسیر می‌کند، و این احتمالاً نهمین مورد میان‌متنیت است. همچنین جالب است که در آیه‌هایی که به‌دنبال عبور شتر از سوراخ سوزن در قرآن می‌آیند، بحث برخی پیامبران پیشین، و تکبر (یا ثروتمندی) (اسْتَكْبَرُوا) عده‌ای در قوم آنها است (اعراف: ۷۵–۷۶ و ۸۸). یکی از این داستان‌ها حکایت هود است. قرآن بیان می‌کند که قوم هود به او نسبت حماقت می‌دانند (سَفَاهَه؛ اعراف: ۶۶)، اما هود آن را انکار می‌کرد (اعراف: ۶۷). اگر میان‌متنیت با داستان احمق ثروتمند در انجیل لوقا را در ذهن داشته باشیم، چه‌بسا این بخش نشان‌دهنده تفسیری است که قرآن سعی در بیان آن دارد. در مَثل احمق ثروتمند، احمق کسی است که ثروت‌های این زندگی {دنیوی} و نه زندگی بعد {=اخروی} را می‌اندوزد، و

---

۱. در انجیل‌های هم‌نوا ضدیتی عام علیه ثروت وجود دارد و به‌ویژه در انجیل لوقا چنین است. بنگرید به اشمیت، ۱۹۸۷، صص. ۱۳۵–۱۶۲.

به‌همین نحو به‌نظر می‌رسد که در توصیف قرآن {در اصل} کسانی که در این زندگی ثروت‌اندوزی می‌کنند، چنانچه از قوم هود مثل می‌زند (اعراف: ۶۹)، احمق‌اند و نه هود.

به‌طوری مشابه، وقتی قرآن در آیه ۸۹ سوره اعراف داستان شعیب را روایت می‌کند، نشان می‌دهد که چگونه شعیب از خداوند می‌خواهد که بین باورمندان و متکبران قوم او (اسْتَكْبَرُوا) گشایشی ایجاد کند (اعراف: ۸۸)، چراکه خداوند بهترین گشایندگان است، که این گشایش نظیر گشودن دروازه‌های بهشت است که پیش‌ازاین روایت شد.[۱] افراد متکبر ادعا می‌کنند که اگر از شعیب پیروی کنند متضرر {=زیانکار} خواهند بود (خاسِرُون) (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۰). قرآن بعدازآن می‌گوید کسانی که از شعیب پیروی نکردند انگار که در خانه‌های خود توانگر نیستند (يَغْنَوْا)، و آنها {همان} کسانی هستند که متضررند {=زیانکارند} (الخاسِرين).[۲] داستان شعیب در این بخش‌ها با استفاده از واژگانی ویژه {تلویحاً} دوباره به مَثَل عبور شتر از سوراخ سوزن اشاره می‌کند: «گشایش»، «متکبر»، «تکذیب‌کنندگان» (كَذَّبُوا)، «توانگر» (غنی)، و «متضرران» {=زیانکاران}.

بااین‌همه مورد میان‌متنیتیِ دیگری بین انجیل‌ها و قرآن وجود دارد، که مربوط به مَثل احمق ثروتمند است. متعاقب این مَثل، آیه ۳۵–۴۸ باب ۱۲ انجیل لوقا می‌گوید که چگونه عیسی از حواریون خواست تا در خانه هشیار {و آماده‌ی بازگشت مسیح} باشند. به‌نظر می‌رسد مثلی که در این بخش‌ها می‌آید در ارتباط با مثل ده باکره[۳] در آیه‌های

---

۱. آیه ۸۹ سوره اعراف: «قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ». تمامی ترجمه‌های فارسی رایج (فولادوند، مکارم‌شیرازی، خرمشاهی، انصاریان و قمشه‌ای) عبارت «رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» را «پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی» ترجمه کرده‌اند. گلداری در این متن معادل انگلیسی Open را برای «افتح» به‌کار می‌برد که در فارسی برابر «گشودن» است. همچنین، به‌نظر می‌رسد که ارجاع گلداری به آیه ۸۸ سوره اعراف برای تبیین بیشتر روایت باشد ـ م.

۲. اشاره به آیه ۹۱ سوره اعراف است: «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ» (پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌های‌شان از پا درآمدند) ـ م.

2. Ten Virgins

۱-۱۵ باب بیست‌وپنجم انجیل متی است، چنان‌که در هر دو مورد پیامی که منتقل می‌شود هشیار بودن و به‌خواب درنیافتادن است، زیرا ارباب (یا داماد) چه‌بسا هرلحظه {از راه} فرارسد. در هر دو مَثل، واژه یونانی ضیافت عروسی[1] به‌کار می‌رود (متی، باب بیست‌وپنجم، آیه ۱۰؛ لوقا، باب دوازدهم آیه‌ی۳۶). وانگهی، در هر دو مَثل پیام روشن‌نگه‌داشتن چراغ‌ها منتقل می‌شود (متی، باب بیست‌وپنجم آیه‌های ۱-۱۰؛ لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۵). مَثل ده باکره درباره کسانی که احمق هستند نیز صحبت می‌کند. مطابق با این مَثل‌ها، و حتی مطابق با مَثل احمق ثروتمند، دلیل هشیار بودن و بیدار بودن این است که ساعت {فرارسیدن} نامعلوم است و ارباب (یا داماد) می‌تواند هرلحظه {از راه} فرارسد. این درون‌مایه به سایر بخش‌های انجیل‌ها نیز ارتباط دارد، {یعنی} درجایی که نشانه‌های پایان روزگار توصیف می‌شوند ساعت {فرارسیدن آن} مشخص نیست، و مردم باید گوش‌به‌زنگ باشند و به‌خواب نروند، زیرا نمی‌دانند ارباب چه‌وقت بازمی‌گردد (متی، باب بیست‌وچهارم آیه‌های ۳۶-۴۴؛ لوقا، باب سیزدهم آیه‌های ۳۲-۳۷). به‌عنوان دهمین مورد میان‌متنیت، به‌طور مشابه آیه‌های قرآنی‌ای که در امتداد استعاره‌ی شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند پیش می‌روند پیامی {حاکی} از هشیار و بیدار بودن منتقل می‌کنند، زیرا ساعت {فرارسیدن قیامت} نامعلوم است:

> آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان درحالی‌که به خواب فرورفته‌اند به آنان برسد (۹۷) و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیم‌روز درحالی‌که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد (۹۸) آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [باآنکه] جز مردم زیانکار (الْخَاسِرُون) [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند (۹۹) مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به‌ارث می‌برند (یَرِثُون) باز ننموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به [کیفر] گناهان‌شان

3. Gamon یا Gamous

می‌رساندیم و بر دل‌های‌شان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند (۱۰۰) (اعراف[۱]).

به‌نظر می‌رسد این آیه‌های قرآنی کسانی را که زمین را به‌میراث می‌برند (یَرِثُون) از دیگرانی که پیش‌ازاین درباره آنها صحبت کرده بود، {یعنی کسانی} که بهشت را به‌میراث می‌برند، متمایز می‌کند. در آیه بعدی همین سوره در قرآن، تأکید می‌شود که ساعت {فرارسیدن قیامت} حتی برای پیامبر نامعلوم است (اعراف: ۱۸۷)، که مشابه همان برداشتی است که از سوی انجیل‌ها تصریح می‌شود که حتی پسر[۲] هم ساعت {فرارسیدن آن} را نمی‌داند (متی، باب بیست‌وچهارم آیه‌های ۳۶-۴۴؛ مرقس، باب سیزدهم آیه‌های ۳۲-۳۷) (البداوری، ۲۰۱۴: ص. ۲۳۶). بر اساس این میان‌متنیت‌ها، شاید تفسیر آیه‌هایی از قرآن که درباره بستن دروازه‌های بهشت صحبت و تصدیق می‌کند کسانی که در برابر آیات خداوند متکبرند (استَکبَرُ) وارد بهشت نمی‌شوند {مگر} وقتی‌که شتر از سوراخ سوزن عبور کند، به‌عنوان اشاره‌ای متنی به پیامی که در انجیل‌ها تصریح می‌شود، مناسب به‌نظر رسد. ازاین‌رو، شناخت نحوه ترجمه واژه‌ی «اسْتَکْبَرُوا» در قرآنْ این نوع اشاره‌ی متنی را، که نشان‌دهنده چگونگی تفسیر این مَثل در قرآن است، آشکار می‌کند.

یازدهمین مورد میان‌متنیتْ آیه ۹۹-۱۰۰ سوره اعراف در قرآن است، که درباره احمق‌هایی (خاسِرُن) صحبت می‌کند که میراث‌شان را همانند مَثل احمق ثروتمند از دست می‌دهند. در آیه ۲۰ باب دوازدهم انجیل لوقا، راوی نشان می‌دهد که احمق ثروتمند چه‌بسا روح خود را از دست بدهد. احتمالاً واژه‌ی «خاسِرُن» در آیه ۹۹ سوره اعراف نیز به کسانی اشاره می‌کند که روح خود را از دست می‌دهند، چراکه قرآن در همان سوره به‌وضوح درباره این مضمون سخن می‌گوید (خاسِروُا انفُسِهِم؛ سوره‌ی اعراف، آیه‌های ۹ و ۵۳)، و به‌کرات نافرمانان و تکذیب‌کنندگان را به‌عنوان کسانی که

---

۱. تأکید «پیشین» که در کروشه [ ] است هم از گلداری و هم از فولادوند است. در سایر موارد بنگرید به پانوشت ۲ ص. ۱۰ ـ م.

۲. اشاره به عیسی مسیح (the Son) ـ م.

ازدست‌رفته {=زیانکار} هستند توصیف می‌کند (خاسِرُون؛ اعراف: ۲۳، ۹۲، ۹۹، ۱۴۹، و ۱۷۸). برای مثال، قرآن در آیه ۹۲ سوره اعراف {نوعی} بازی‌باکلمات با واژه‌ای که ریشه در «غنی» دارد به‌کار می‌برد تا نشان دهد که کافران هستند که توانگر (یَغْنَوْا) نیستند، و ازاین‌رو کسانی هستند که ضرر کرده‌اند {=زیانکاران بوده‌اند} (خاسِرین).

آیه‌های ۹۴–۱۰۲ سوره اعراف در مسیری مشابه پیش می‌روند. آیه‌های ۹۵–۹۸ سوره اعراف از آن هنگام حکایت می‌کند که ناگاه فرامی‌رسد، وقتی‌که هیچ‌کس آن را درنمی‌یابد یا در آن هنگام که در خواب یا {سرگرم} بازی هستند، مانند ساعتی که پیش‌تر شباهت‌های آن با آیه‌های ۳۵–۴۸ باب دوازدهم انجیل لوقا تبیین شد. همچنین اگر مردم تکذیب نکنند (کَذَبُوا)، دروازه‌های بهشت به‌روی‌شان گشوده خواهد شد (اعراف: ۹۶)، حال‌آنکه هیچ‌کس از برنامه خداوند {=مَکْرَ اللَّه} احساس امنیت نمی‌کند، جز متضرران {=زیانکاران} (الخاسِرُون؛ اعراف: ۹۹). این هشدارها {=عبرت‌ها} به کسانی داده می‌شود که زمین را از ساکنان پیشین آن به‌میراث می‌برند (یَرِثُون) (اعراف: ۱۰۰). این ایده ظاهراً نشان می‌دهد که قرآن درباره مفاهیم بنیادینِ مَثَل احمق ثروتمند در این بخش‌های انجیل لوقا صحبت می‌کند، که براساس آن نمی‌توان ترتیبی برای میراث‌بری این‌جهانی داد.

قرآن با داستان موسی ادامه می‌دهد، که در آن مضمون میراث‌بری در آیه‌های ۱۲۸–۱۲۹ سوره اعراف مطرح می‌شود. اما، در اینجا چون فرعون و قوم او در مقابل آیات خداوند همچنان متکبر بودند (اسْتَکْبَرُوا) (اعراف: ۱۳۳) و آنها را تکذیب می‌کردند (کَذَّبُوا) (اعراف: ۱۳۶)، زمین در عوض میراث (أَوْرَثْنَا) تسلیم‌شدگان {در برابر فرمان خداوند} {=مستضعفین} بود (اعراف: ۱۳۷).

اگر قرآن به توصیف انجیل‌ها از {فرد} ثروتمند به‌مثابه استعاره‌ای برای کسانی که در مقابل آیات خداوند متکبر هستند اشاره کند، به‌ویژه با توجه به احتمالات چندمعنای Plousios و «کبر»، آنگاه نکوهش {فرد} ثروتمند در انجیل‌ها ناظر بر اشاره‌ای احتمالی به آیه‌های ۱۸–۱۹ باب سی‌ویکم مزامیر است. در روایت‌های افراد ثروتمند و مَثَل احمق ثروتمند، که پیش‌تر مطرح شدند، چند کلیدواژه و عبارت وجود دارد که ذکر می‌شود: «فراوانی»، «چیزهای خوب» و «اندوختن ثروت». مفاهیمی مشابه در آیه‌های

۱۸–۱۹ باب سی‌ویکم مزامیر دیده می‌شود، جایی که خداوند است که «فراوانی نیکی» را برای افراد پرهیزکار می‌اندوزد؛ این در بافتار نکوهش افراد ثروتمند نیست، بلکه نکوهش تکبر در کسانی است که تکذیب می‌کنند و علیه افراد پرهیزکار مغرورانه سخن می‌گویند. درنتیجه، به‌نظر می‌رسد قرآن استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن را در چنین بافتاری
مطرح می‌کند.

۲. شتر و سوزن

چنان‌که گذشت، واژه یونانی Plousios {معادلی} برای «ثروتمند»، یا برای کسی که دارایی‌های فراوان دارد، در قرآن با واژه عربی «اِستِکبار» ترجمه‌شده است. هر دو واژه در زبان‌های خاص خود چندمعنا هستند و می‌توانند معانی دوگانه‌ی «فراوانی» و «توانگری» را افاده کنند. اشاره به این نکته مهم است که سوره قرآنی‌ای که این آیه‌های موردبحث در آن وجود دارند بابیان این مطلب آغاز می‌شود که گناه شیطان غرور و تکبر بود، و ریشه واژه‌ی تکبر «کبر» است (اعراف: ۱۳). به‌گفته قرآن، گناه شیطانْ نفس‌پرستی بزرگ (کِبَر) است. این مسئله درکی از سبک انجیل‌ها و قرآن را در اختیار ما قرار می‌دهد. شاید این گفته، که در آن هر دو واژه یونانی Plousios و عربی «کِبَر» به‌معنای «فراوانی» و «وفور»، و همچنین «ثروتمندی» دیده می‌شود، این پیام را منتقل می‌کند که کسانی که نفس‌پرستی بزرگ (کِبَر) دارند آن‌قدر بزرگ (کبیر) هستند که درواقع عبور شتری از سوراخ سوزن از عبور آنها آسان‌تر است، زیرا نفس‌پرستی آنها بزرگ‌تر از شتر است. نفس‌پرستی‌ای که بزرگ‌تر از شتر است، تا آنجایی که نمی‌تواند از سوراخ سوزن وارد شود، نکته‌ای است که از سوی صوفی امام احمد بن عمر به‌عنوان تفسیری نمادین برای این آیه‌های قرآن در کتاب التأویلات النجمیه فی التفسیر الاشاره الصوفی مطرح شد.

با بررسی دقیق واژه‌ای که در قرآن به‌کار می‌رود، ظاهراً محتمل‌ترین {حالت} این است که با استفاده از ترجمه‌ای واژگانی[1] از آنچه احتمالاً مضمون چندمعنای واقعی و

1. Lexical Translation

موردنظر تعبیر می‌شود، از انجیل‌ها نقل‌قول (یا به آنها اشاره) شده است. به‌نظر می‌رسد قرآن این مَثل را تفسیر می‌کند، چنان‌که می‌گوید نه‌تنها افرادی که دارای ثروت فراوان هستند، بلکه (و به‌ویژه) کسانی که نفس‌پرستی بزرگ دارند نیز (یعنی تکبر) ورود به قلمرو بهشت را دشوار خواهند یافت.

آبراهام گایگر (۲۰۱۲) معتقد است که ظاهراً ریشه به‌کارگیری استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن از تلمود بابلی[1] است، که می‌گوید انسان رؤیای چیزهایی که غیرممکن هستند را نخواهد دید (صص. ۵۲-۵۳). تلمود بابلی مثال‌هایی از این مفهوم را ارائه می‌دهد، ازجمله:

> معلم گفت، «چه‌بسا آگاه باشید که چنین است، بر مردمان در رؤیاها [چنین ناشُدنی‌هایی چون] نخلی زرین یا پیلی که از چشمیِ سوزنی می‌گذرد هویدا نمی‌شود».[2]

نتیجه‌گیری

بر طبق یافته‌هایی که در این گفتار مورد تأکید قرار گرفتند، به‌نظر می‌رسد که بافتار کاربرد قرآنیِ عبور شتر از سوراخ سوزنْ تفسیری از روایت مشابه در انجیل‌ها، و به‌نحوی قابل‌ملاحظه‌تر دیاتسرون تاتیان است. گرچه پیش‌ازاین برخی محققان براساس استدلال‌هایی ضعیف از عبارت‌پردازیِ مشابه بین دیاتسرون عربیِ پساقرآنی و قرآن به نتیجه‌ای مشابه رسیده‌اند، بعید است به این دلیل باشد. دلیلی بهتر برای اینکه آیه‌های قرآنی بر پایه دیاتسرون تاتیان هستند، ارتباط درهم‌تنیده‌ی آن با بخش‌های مختلف انجیل‌ها است که {داستان فرد} ثروتمند را دربرمی‌گیرند، و دیاتسرون تاتیان آنها را به‌هم دوخته است (دیاتسرون: ۲۸-۲۹)؛ این به‌ویژه به مَثل احمق ثروتمند و حکایت مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید مرتبط است.

در اینجا یازده مورد میان‌متنیت شناسایی‌شده است (برخی ضعیف‌تر از دیگران)، گرچه ظاهراً بافتارهایی متفاوت دارند ـ که افراد ثروتمند در انجیل‌ها و تکذیب‌کنندگان متکبر در برابر آیات خداوند در قرآن را {به یکدیگر} مربوط می‌کنند؛ به‌اختصار

---

2. Babylonian Talmud
3. The Babylonian Talmud, Berakhot 55b.

عبارتنداز: ۱) تمثیل عبور شتر از سوراخ سوزن؛ ۲) بازی‌باکلمات تکواژی در آیه قرآنی بین «غنی» (ثروتمندی) و «کبر» (تکبر)؛ ۳) شباهت در مفهوم زندگی جاودانه؛ ۴) شباهت در مفهوم میراث‌بری؛ ۵) کاربرد مشابه واژه بهشت (السَماء)، نظیر روایت متی و دیاتسرون تاتیان؛ ۶) این ایده، در بافتار مَثل احمق ثروتمند، که انسان نمی‌تواند حتی یک ساعت به زندگی خود بیافزاید، که مشابه بیان قرآن است که هیچ قومی قادر نخواهد بود یک ساعت {به زمانه‌ی خود} بیافزاید؛ ۷) اینکه کسانی که به بهشت می‌روند نباید بترسند، همان‌طور که در قرآن و در بافتار مَثل احمق ثروتمند وصف می‌شود؛ ۸) اینکه احمق توصیف‌شده در انجیل لوقا Aphrōn است، که می‌تواند به‌معنای «متکبر» و «مغرور» نیز باشد، نظیر «کبر» قرآنی؛ ۹) نکوهش همه‌جانبه ثروت دنیوی در این نمونه‌ها در قرآن و انجیل‌ها (به‌ویژه در دیاتسرون تاتیان، که مَثل‌های افراد ثروتمند و مرد ثروتمندی که از عیسی درباره‌ی زندگی جاودانه می‌پرسد را مطرح می‌کند)؛ ۱۰) اینکه درخواست از مردم برای هشیاربودن در آیه قرآنی شبیه پیام مشابه در مَثل احمق ثروتمند است، که به‌خودی‌خود همانند مثل ده باکره است؛ و ۱۱) اینکه توصیف قرآنی از کسانی که میراث‌شان و روح‌شان را ازدست‌داده‌اند به توصیف احمق ثروتمند شباهت دارد.

قرآن در مورد عبور شتر از سوراخ سوزن نه‌تنها از تمثیلی مشابه {تمثیل} انجیل‌ها استفاده می‌کند، بلکه به‌نظر می‌رسد آن را به‌خدمت می‌گیرد و پیام انجیل در این بافتار را تفسیر می‌کند. قرآن افراد ثروتمندی را که ورود به قلمرو بهشت برای آنها دشوار است به‌عنوان کسانی تفسیر می‌کند که آیات خداوند را متکبرانه «استَکبَروُا» تکذیب می‌کنند. مردان ثروتمندی که در انجیل‌ها نکوهش می‌شوند ظاهراً در قرآن به‌مثابه استعاره‌ای برای غرور و افرادی متکبر که آیات خداوند را نمی‌پذیرند تفسیر می‌شوند. شاید قرآن پیام انجیل‌ها را نه‌تنها در مقام صحبت از افراد ثروتمند، بلکه از هرکسی که متکبر است، و از نفس‌پرستی‌ای بزرگ‌تر از شتر برخوردار است – چنان بزرگ (کبیر) که درواقع عبور شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر از ورود آنها به قلمرو بهشت است، تفسیر می‌کند. سوره‌ی الاعراف در قرآن به‌کرات «استِکبار» را نکوهش می‌کند، و با این

گفته آغاز می‌شود که «استِکبار» گناه اصلی شیطان است. قاعدتاً این {فرد} ثروتمند است که نکوهش می‌شود یا افراد متکبر؟ استثنائاتی در میان ثروتمندان نظیر یوسف الرامی[1] وجود دارد، که به‌عنوان {فردی} ثروتمند[2] توصیف می‌شود، اما به‌هرحال یکی از حواریون عیسی است (متی، باب بیست‌وهفتم آیه ۵۷). اما هیچ استثنایی در میان کسانی که متکبرند (استَکبَروُا) وجود ندارد، که چگونگی تفسیر و ترجمه پیام افراد ثروتمندی است که از سوی عیسی نکوهش می‌شوند. در مثالی که در این گفتار توصیف می‌شود، قرآن برای ما این امکان را فراهم می‌کند که پیامی را که توسط انجیل‌ها منتقل می‌شود با گزینش واژه‌های چندمعنا و دقیق درک کنیم، درعین‌حال که در عمل پیام موردنظر را منتقل می‌کند.

به‌طور خلاصه، می‌توان دو مورد را نتیجه‌گیری کرد. نخست، محتمل است که این بخش از قرآن با بدیل خود در انجیل‌ها در ارتباط است. پیش‌ازاین سایر محققان به نتیجه‌گیری مشابه رسیده‌اند؛ اما این گفتار چند میان‌متنیت را برای تأیید این نظر شناسایی کرده است. دوم، احتمالاً قرآن تفسیر دیاتسرون تاتیان را به‌کار می‌برد و تفسیر می‌کند، یا اینکه شاید صرفاً برحسب‌تصادف به مرد ثروتمندی که از عیسی پرسش می‌کند و مَثل احمق ثروتمند، که شیوه‌ای مشابه با شیوه‌ی تاتیان را به‌کار می‌برد، می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر، به مفاهیم مشابه در بخش‌های مختلف انجیل‌ها با یکدیگر، در این مورد درباره افراد ثروتمند (یا متکبر)، اشاره می‌کند.

کتابنامه

ابن منظور. (۱۹۹۴). *لسان العرب*. بیروت: دار سدیر.
الرازی. (۲۰۰۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
الطبری. (۲۰۰۰). *جامع البیان فی تأویل القرآن*. بیروت: الرساله.

1. Joseph of Arimathea
2. Plousios

مسلم، و عبدالباقی، محمد فؤاد (ویراستار). (۱۹۹۵). *صحیح مسلم*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Ali, M. (2008). Rethinking the Semitic Text: A Study of Intertextuality. *Studia Philosophica et Theologica*, *8*(1).

Bell, R. (1953). Introduction to the Qur'ān. *Edinburgh University publications/Language and literature texts*.

Bertrand, D. A. (1980). L'Évangile des Ébionites: une Harmonie Evangélique Antérieure au Diatessaron. *New Testament Studies*, *26*(4), 548-563.

Bishop, E. F. (1941). The Eye of the Needle. *The Muslim World*, *31*(4), 354-359.

Botterweck, G, J & Ringgren , H (eds.) (1977). Theological Dictionary of the Old Testament. Grand Rapids: Eerdmans.

Brown, F., Driver, S. R., & Briggs, C. A. (2000). *The Enhanced Brown-Driver-Briggs Hebrew and English Lexicon: With an Appendix Containing the Biblical Aramaic*. Logos Research Systems.

Ciasca, A. (1888). Tatiani Evangeliorum Harmoniae Arabice: Nunc Primum ex Duplici Codice Edidit et Translatione Latina Donavit p. Augustinus Ciasca.

Danker, F. W. (2000). *A Greek-English Lexicon of the New Testament and Other Early Christian Literature*. Chicago: The University of Chicago Press.

Davies, W. D., & Allison, D. C. (1988). *A Critical and Exegetical Commentary on the Gospel According to Saint Matthew* (Vol. 1). Bloomsbury Publishing.

Galadari, A. (2013-a). The Qibla: An Allusion to the Shemaʿ. *Abdulla Galadari (2013)"The Qibla: An Allusion to the Shema ʿ," Comparative Islamic Studies*, *9*(2), 165-193.

Galadari, A. (2013-b). The Role of Intertextual Polysemy in Qur'anic Exegesis. *QURANICA-International Journal of Quranic Research*, *4*(1), 35-56.

Geiger, A. (2012). *Judaism and Islam: A Prize Essay*. Hong Kong: Forgotten Books. [Original edition Was hat Mohammed aus dem Judenthume aufgenommen?, Bonn: Baaden, 1833]

Greenlee, J. H. (1995). *Introduction to New Testament Textual Criticism*. Hendrickson.

Haupt, P. (1924). Philological and archaeological studies. *The American Journal of Philology*, *45*, 238–259.

Higgins, A. J. B. (1984). Luke 1-2 in Tatian's Diatessaron. *Journal of Biblical Literature*, *103*(2), 193-222.

Ibn Manzur. (1994). Lisana al-arab. Beirut, Lebanon: Dar Sadir.

Jeffery, A. (1938). The Foreign Vocabulary ofthe Qur'an.

Joosten, J. (2001). Tatian's Diatessaron and the Old Testament Peshitta. *Journal of Biblical Literature*, *120*, 501– 524.

Kenyon, F. G. (1912). *Handbook to the Textual Criticism of the New Testament*. Macmillan.

Kittel, G., Bromiley, G. W., & Friedrich, G. (Eds.). (1964). *Theological Dictionary of the New Testament*. Grand Rapids: Eerdmans.

Kraeling, C. H. (1935). A Greek Fragment of Tatian's Diatessaron from Dura: Edited with Facsimile, Transcription and Introduction. *Studies and Documents*.

Lancaster, R. C., & MacLeod, E. (Ed.). (2008). *Was the New Testament Really Written in Greek? A Concise Compendium of the Many Internal and External Evidences of Aramaic Peshitta Primacy*. Raphael Christopher Lancaster (RCL).

Luling, G. (1974). Über den Ur-Qur'ān: Ansätze zur Rekonstruktion Vorislamischer Christlicher Strophenlieder im Qur'ān.

Luxenberg, C. (2004). *Die Syro-aramäische Lesart des Koran: ein Beitrag zur Entschlüsselung der Koransprache*. Verlag Hans Schiler.

Nasr, S. H., Dagli, C. K., Dakake, M. M., Lumbard, J. E., & Rustom, M. (2015). The Study Quran. *A New Translation and Commentary. New York*.

Nasser, M. M. A. (2013). The Polysemous Nature of Some Arabic Prepositions. *International Journal of Linguistics*, *5*(2), 66.

Nestle, E. (1901). *Introduction to the Textual Criticism of the Greek New Testament* (Vol. 13). Williams and Norgate.

Neusner, J. (2005). *The Babylonian Talmud: a Translation and Commentary*. Hendrickson Publishers.

Petersen, W. L. (1994). *Tatian's Diatessaron: its Creation, Dissemination, Significance, and History in Scholarship* (25). Brill.

Ringgren, H., & Fabry, H. J. (Eds.). (1977). *Theological Dictionary of the Old Testament: Volume III* (Vol. 3). Wm. B. Eerdmans Publishing.

Rippin, A. (1980). Qur'an 7.40:«Until the Camel Passes through the Eye of the Needle». *Arabica*, *27*(2), 107-113.

Robertson, A. (1925). T. An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament. Nashville.

Schmidt, T. E. (1987). *Hostility to Wealth in the Synoptic Gospels* (Vol. 15). A&C Black.

Smith, R. P., & Hanson, K. C. (Eds.). (2007). *Thesaurus Syriacus*. Wipf and Stock Publishers.

Souter, A. (1917). *The Text and Canon of the New Testament*. New York, NY: Charles Scribner’s Sons.